

یادداشت

درباره سخنان رئیس قوه مجریه

بر مبنای همین استدلال وضعیت در دیگر نهاده‌ها و سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی و حاکمیتی نیز بهتر از این نیست. برای مواجهه با چنین چالشی چه باید کرد:

۱- پیشنهاد می‌شود دولت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و سازمان اداری و استخدامی کشور را مأمور کند تا در زمان معینی گزارشی درباره نیروی انسانی شاغل در دستگاه‌های اداری تهیه و براساس مطالعات جامع برنامه‌ای چارچوبی تعریف کند که به‌تدریج با هدف افزایش بهره‌وری در دستگاه دولتی روند به‌کارگیری نیروی انسانی تعدیل شود تا در دوره‌ای پنج تا ۱۰ساله تعداد نیروی شاغل در دستگاه‌های دولتی به وضعیت معقول و مقبولی برسد. در گزارش مطالعه‌شده به دقت مشخص شود که این حجم از نیروی انسانی شاغل در دستگاه‌های دولتی چه هزینه‌هایی اعم از بودجه و سایر هزینه‌ها برای کشور ایجاد می‌کند و تا چه میزان این حجم از نیروی کار دارای بهره‌وری است؟ یعنی میزان بهره‌وری به‌کارگیری این حجم از نیروها نیز مشخص شود. همچنین نشان داده شود تا چه میزان گسترش تخلف و فساد احتمالی در فرایندهای اداری ناشی از حجم زیاد نیروی انسانی به‌کارگرفته‌شده در ساختار دیوان‌سالاری کشور است؟

۲- در همین زمینه در چارچوب این گزارش برنامه‌ای طراحی شود که برای ایجاد اشتغال در بخش خصوصی چه سازوکاری باید اندیشیده شود تا برنامه تعدیل نیرو در ساختار دولت به تشدید بیکاری در کشور منجر نشود و این برنامه خود منشأ آسیب‌های بزرگ‌تری ناشی از بیکار نشود. موانع پیش‌روی فعالیت بخش خصوصی در حوزه‌های مختلف کالبدشکافی و برای فعالیت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مشوق‌های لازم نیز طراحی شود. در همین زمینه تحریم‌ها به عنوان یک عامل محدودکننده عمل می‌کند. برای رفع تحریم‌های بین‌المللی نیز راهکار و ابتکار عملی تعریف شود تا ساختار اقتصادی کشور بیش از این محتمل فشار نشود.

۳- رئیس دولت در سخنان خود با اشاره به اشتغال بیش از چهار هزار نفر در نهاد ریاست‌جمهوری، تاکید کرد ۴۰۰ نفر نیروی انسانی برای فعالیت‌های این نهاد کافی است. در همین زمینه البته مشخص نشده که حجم اضافی درخورتوجه نیروی کار در نهاد ریاست‌جمهوری چه تأثیری بر ناکارآمدی و تاخیر در اقدامات و کندی فعالیت‌ها دارد. برای مقابله با این ناکارآمدی و کاهش بهره‌وری هم پیشنهاد می‌شود با هدف مدیریت وضعیت موجود و افزایش راندمان کار، این تعداد از نیروی مازاد بدون حضور در سر کار، حقوق خود را دریافت کنند تا به‌تدریج و پس از بازنشتگی این گروه، از تعداد کارکنان نهاد ریاست‌جمهوری کاسته شود. همچنین می‌توان با ارائه بسته‌ای تشوقی، کارکنان اضافی نهاد ریاست‌جمهوری را ترغیب کرد تا با حضور در مناطق محروم به فعالیت‌های مورد نیاز ازجمله معلمی در مناطق محروم و سایر خدمات مورد نیاز کشور گمارده شوند.

۴- در همین زمینه گفته می‌شود در یک سال و نیم گذشته شمار زیادی نیروی کار به نهاد ریاست‌جمهوری افزوده شده است؛ یعنی تیم جدید همکار دولت با به‌کارگیری شمار درخورتوجهی نیروی انسانی به‌ویژه از یکی، دو استان بر شمار کارکنان این نهاد افزوده‌اند. پیشنهاد می‌شود دولت برای نشان‌دادن نگر خود در کاهش نیروی انسانی شاغل در نهاد ریاست‌جمهوری دراین‌باره هم اقدام فوری و عاجلی را در دستور کار قرار دهد.

خبر

نامه حمایتی جمعی از دانشجویان از خانه‌اندیشندان

جمعی از دانشجویان فعال انجمن‌های علمی علوم انسانی دانشگاه‌های سراسر کشور، فعالین و اعضای تشکل‌های علمی علوم انسانی در نامه‌ای خطاب به حسین سیمای صراف، وزیرعلوم، وثیرعلاقات و فناوری خواس‌ار تأسیس خانه‌ای جدید برای اندیشمندان علوم انسانی یا استقرار مجدد در خانه سابق خود شدند. با استناد به سخن مقام معظم رهبری درمورد علوم انسانی، مبنی بر «علوم انسانی هوای تنفسی مجموعه‌های نخبه‌ی کشور است که هدایت جامعه را بر عهده دارند» و مشروح درخواست نگارندگان به شرح ذیل می‌باشد:
خانه اندیشمندان علوم انسانی در طول پانزده سال فعالیت خود همواره در چارچوب نظام جمهوری اسلامی فعالیت کرده و هرگز از قوانین و مقررات کشور تخلفی ننموده است. در طول این مدت، خانه اندیشمندان همواره منادی چندصدایی و تکرر آرا و اندیشه‌ها بوده و قریب به دو‌یست و پنجاه نهاد علمی، فرهنگی و مدنی برای انجام فعالیت‌های خود از ظرفیت‌های این مجموعه استفاده کرده‌اند. متأسفانه این نهاد غیرسیاسی و غیرجانحی با رویکرد هم‌افزایانه به فعالیت‌های علمی و فرهنگی، قربانی بازی‌های سیاسی جناح‌های مختلف شده است. جمع حاضر دغدغه و خواسته‌ای جز ترقی میهن اسلامی عزیزمان نداشته و هر گاه که عرصه را برای مشارکت در این هدف مساعد دیده، بی‌منت و محلیصانه به سوی آن حرکت کرده است. اکنون نیز مطالبه «تأسیس خانه‌ای جدید برای اندیشمندان علوم انسانی» یا «استقرار مجدد در خانه سابق خود» به جهت حصول ارزش‌های مذکور برای این جمع به فریضه‌ای محکم بدل شده است. بی‌شک مساعدت شما در این امر، گامی بزرگ در جهت نمود عینی بیانات مقام معظم رهبری مبنی بر «تأاسب در پرورش اندام علمی و نقشه علمی کشور» خواهد بود. با این تقاضا، استدعا داریم اقدامات لازم را مبذول فرمایید.

اسامی دانشجویان امضاکننده نیز روزنامه محفوظ است.

یک عضو هیئت‌رئیسه کمیسیون مشترک بررسی لایحه سازمان ملی جهات جدید از لایحه سازمان ملی مهاجرت

یک عضو هیئت‌رئیسه کمیسیون مشترک بررسی لایحه سازمان ملی مهاجرت تاکید کرد: طرف یک ماه و نیم آینده بررسی لایحه سازمان ملی مهاجرت نهایی خواهد شد و تمامی موضوعات مربوط به اتباع اعم از مجاز، غیرمجاز و همچنین پناهندگان در چارچوب این سازمان جدید سامان‌دهی خواهد شد. به گزارش ایسا، محمد سراج، نماینده مردم تهران در مجلس با اشاره به روند بررسی لایحه ساختار، وظایف و اختیارات سازمان ملی مهاجرت در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: هدف از تصویب این قانون سامان‌دهی امور مربوط به اتباع خارجی در ایران است. در مرحله نخست، این لایحه در کمیسیون تخصصی مورد بررسی و سپس در دستور کار صحن مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. با رأی نمایندگان با استناد به اصل ۸۵ قانون اساسی، بررسی و تصویب این لایحه به کمیسیون مشترک سپرده شد. پس از تصویب نهایی، این قانون به صورت آزمایشی به اجرا درخواهد آمد. او در ادامه با اشاره به اینکه تاکنون جلسات متعددی با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی برگزار شده است، اظهار کرد: مجلس اختیار بررسی این لایحه را به کمیسیون مشترک سپرده است. کمیسیون مشترک نیز در وهله اول آنچه را که در شور اول به تصویب صحن رسیده بود به کمیته فرستاد. کمیته مربوطه پس از برگزاری نشست‌های گوناگون با نمایندگان وزارت کشور، وزارت امور خارجه و سایر دستگاه‌های مرتبط، کار کارشناسی را به پایان رساند و متن نهایی را به کمیسیون مشترک ارائه کرد. تاکنون کمیسیون مشترک سه جلسه برای بررسی این لایحه برگزار کرده است و هفت ماده از لایحه بررسی شده است. پیش‌بینی می‌شود از هفته آینده ادامه بررسی مواد در کمیسیون از سر گرفته شود و جلسه چهارم کمیسیون برگزار شود.

www.sharghdaily.com

نگاهی به آینده روابط ایران و روسیه در دوران پساماشه در گفت‌وگو با نعمت‌الله ایزدی و علی اکبر فرازی

تهران بر سر دوراهی «اعتماد» و «اجتناب»

عبدالرحمن فتح‌اللهی، روابط ایران و روسیه در دوران پساماشه وارد مرحله‌ای شده است که از «گزینه» یا «ضرورت» سال‌های گذشته عبور کرده و به نوعی «اجتناب راهبردی» بدل شده است؛ اجتنابی که تهران در معماری سیاست خارجی کنونی خود نمی‌تواند از آن فاصله بگیرد. فعال‌سازی مکانیسم ماشه از سوی سه کشور اروپایی، نه‌تنها فضای جدیدی را در حوزه حقوقی و امنیتی ایجاد کرد، بلکه روابط تهران با بازیگران شرقی، به‌ویژه مسکو را در جایگاه ویژه‌تری قرار داد. با این حال پرسش بنیادین همچنان پابرجاست: در پرتو تجربه تاریخی و رفتار الگوار روسیه، تا چه اندازه می‌توان روی حمایت مسکو در بزنگاه‌های حساس حساب باز کرد؟ این پرسش، نه از سر بی‌اعتمادی، بلکه ناشی از ماهیت واقع‌گرای روابط بین‌الملل است؛ عرصه‌ای که در آن «اعتماد»، «تضمین» یا «تعهد کامل»، به‌ندرت معنا دارد و هر بازیگر براساس منافع متغیر خود تصمیم می‌گیرد.

تهران در سال‌های اخیر کوشیده است یک قرائت راهبردی از روابط با روسیه تدوین کند؛ قرائتی که براساس آن بسیاری از جهت‌گیری‌های کلان کشور از پرونده هسته‌ای و سیاست‌های انرژی گرفته تا ترتیبات منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در چارچوب نوعی همسویی با شرق تعریف شده است. با این حال، ایران به‌خوبی می‌داند اتکای راهبردی به روسیه، همان‌قدر که فرصت‌آفرین است، می‌تواند هزینه‌آفرین نیز باشد؛ زیرا روسیه کشوری است که سیاست خارجی آن، به‌ویژه پس از جنگ اوکراین، بیش از گذشته تابع بدیه‌ستان‌های بزرگ‌تر با غرب و چین، و همچنین نیازهای اقتصادی و امنیتی خود شده است. ازاین‌رو «محاسبه‌پذیری رفتار روسیه» همچنان چالشی مهم در نگاه تهران باقی می‌ماند.

این وضعیت در آستانه نشست پیش‌رو در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بار دیگر اهمیت یافته است. برخی تحلیلگران معتقدند احتمال فعال‌سازی دوباره پرونده ایران در شورای امنیت وجود دارد؛ سناریویی که در آن نقش روسیه و چین برای جلوگیری از تشدید بحران اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. موضوع مسکو و یکن درباره اسنپ‌بک در این‌ مقطع اهمیت راهبردی دارد. هر دو کشور صریح کرده‌اند با پایان یافتن مهلت قطع‌نامه ۲۲۳۱ در ۲۶ مهر ۱۴۰۴، پرونده ایران باید از حالت ویژه خارج و مانند یک پرونده عادی در آژانس بررسی شود. این موضع، همسو با نگاه تهران، مبتنی بر پایان طبیعی قطع‌نامه مذکور و مشروعیت‌نداشتن تمهیدهای یک‌جانبه غرب است. در مقابل، آمریکا و ترویسکا، اروپایی ادعا می‌کنند چون اسنپ‌بک فعال شده، قطع‌نامه ۲۲۳۱ پایان نیافته و پرونده ایران باید همچنان در دستور ویژه بماند. تضاد این دو رویکرد، فضای مبهم و چندلایه‌ای ایجاد کرده که سیاست خارجی ایران ناگزیر باید در میان آن حرکت توازن‌محور خود را حفظ کند.

در چنین شرایطی، سؤال اصلی این است که حمایت روسیه تا کجا و تا چه مرحله‌ای قابل اتکا خواهد بود؟ پاسخ این پرسش ساده نیست؛ چون مسکو ممکن است در چارچوب مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و برای حفظ جایگاه خود در نظم در حال گذار جهانی، از ایران حمایت کند؛ اما هم‌زمان ممکن است در معامله‌های بزرگ‌تر با غرب یا در مدیریت هم‌بیمانی پیچیده خود با چین و کشورهای عربی، تصمیماتی بگیرد که به طور غیرمستقیم بر تهران اثر بگذارد. روابط ایران و روسیه در دوران پساماشه، بیش از آنکه بر «تعهدات» استوار باشد، بر «هم‌پوشانی منافع» بنا شده است و این هم‌پوشانی، هرچند امروز تقویت شده، اما ثابت و ابدی نیست. ازاین‌رو واقع‌بینی حکم می‌کند ایران در کنار تقویت همکاری با روسیه، همچنان به تنوع‌بخشی شرکای خارجی، گسترش دیپلماسی فعال در سازمان‌های بین‌المللی و ارتقای قدرت بازدارندگی بومی ادامه دهد تا در هیچ مرحله‌ای، «نیاز» به قدرت بزرگ در «وابستگی» تبدیل نشود.

برای ترسیم چشم‌انداز دقیق‌تری از آینده روابط ایران و روسیه در دوران پساماشه و فهم لایه‌های پنهان این مرحله حساس، «شرق» می‌گزردی را برگزار کرد که در آن نعمت‌الله ایزدی، آخرین سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی و نخستین سفیر کشورمان در فدراسیون روسیه، و همچنین علی اکبر فرازی، سفیر پیشین ایران در رومانی و مجارستان و از تحلیلگران ارشد سیاست خارجی، حضور داشتند. هدف از این نشست، واکاوی عمیق‌تر تحولات جاری و ارزیابی جایگاه روسیه در محاسبات کلان تهران بود؛ محاسباتی که پس از فعال‌شدن مکانیسم ماشه و ورود پرونده هسته‌ای ایران به وضعیت جدید، حساسیت بیشتری یافته است. طرح دیدگاه‌ها و تحلیل‌های این دو دیپلمات باسابقه، امکان آن را فراهم کرد که روابط تهران-مسکو، نه صرفاً در سطح همکاری‌های تاکتیکی، بلکه در چارچوب یک تحلیل راهبردی و مبتنی بر تاریخ، منافع متقابل و واقعیت‌های نظم بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد؛ تحلیلی که می‌تواند به درک روشن‌تری از محدودیت‌ها، قابلیت‌ها و دامنه اتکای ایران به روسیه در برهه پیش‌رو کمک کند.

نعمت‌الله ایزدی: وضعیت ابدال‌ا روسیه، حفظ یک تنش فرسایشی مدیریت‌شده در ایران است
ابتدای میزگرد با تحلیل نعمت‌الله ایزدی همراه بود. او که آخرین سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی بود، درباره روابط تهران و مسکو در دوران پساماشه توضیح داد: «روسیه‌ای که من می‌شناسم، تحت شرایط

متغیر، راهبردهایش به‌آسانی تغییر نمی‌کند؛ هرگونه تغییر در سیاست‌های راهبردی این کشور صدرصد باید منطبق با منافع ملی‌اش باشد و اگر منافع ملی ایجاب نکنند، راهبردش را برای دیگران تغییری رخ نخواهد داد». اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه این را هم خاطرنشان کرد: «مشخصاً در قبال ایران، راهبرد روسیه همواره این بوده که تهران کشوری باشد که درگیری نظامی شدید ایجاد نکند، اما هم‌زمان نتواند به‌تثابی تمامی مسیرهایی که مسکو در نظر دارد طی کند، بلکه نیازمند تعامل و در برخی موارد وابستگی به روسیه باشد؛ به بیان دیگر ابدال‌المسکو، همواره حفظ یک تنش فرسایشی مدیریت‌شده در ایران است تا همواره ناچار باشد به سمت روسیه گرایش داشته باشد». به تعبیر تحلیلگر ارشد مسائل سیاست خارجی: «این نگاه، نه صرفاً نتیجه محاسبات سیاسی کوتاه‌مدت، بلکه حاصل تجربه تاریخی است؛ از آغاز جمهوری اسلامی، ایران با واکنش منفی به غرب و آمریکا مواجه بود و شوروی و سپس روسیه این فرصت را هرگز از دست ندادند تا نقش خود را در مدیریت رفتارهای ایران در سیاست خارجی حفظ کنند». با چنین برداشتی، ایزدی تصریح کرد: «روسیه با ابزارهای ایران در دخالت‌های دیپلماتیک تا صحنه‌سازی‌های گاه و بی‌گاه، همواره تلاش کرده ایران را در مسیر مطلوب خود نگه دارد و این راهبرد در شرایط حساس اخیر، مانند جنگ اوکراین یا بازگشت احتمالی قطع‌نامه‌ها، همچنان پابرجاست». این دیپلمات پیشین کشورمان یادآور شد: «روسیه با توجه به تحریم‌های غرب، رفتار خود را مطابق با شرایط داخلی و نیازهای اقتصادی و سیاسی‌اش تنظیم کرده و فعلاً مسائل ایران اولویت اصلی مسکو نیست، مگر آنکه شرایط بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای ایجاد شود؛ به عبارت دیگر، اوکراین و تحریم‌ها مسکو را مجبور کرده است راهبرد خود را متوازن نگه دارد».

ایزدی توضیح داد: «فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌بک، فرصت خوبی برای بازی روس‌ها در پرونده هسته‌ای ایجاد کرده است». آخرین سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی به «شرق» می‌گوید: «واقعیت این است که روسیه ابزارهای عملی برای مقابله با فشارهای بین‌المللی در اختیار دارد؛ آنها عضو دائم شورای امنیت هستند و می‌توانند حق وتو اعمال کنند. قطع‌نامه صادر کنند و مسیرها را تغییر دهند. اما تاکنون فقط به صدور بیانیه اکتفا کرده‌اند که بیشتر جنبه نمایشی و خوشایند تهران دارد و کمتر از آنکه آثار عملی داشته باشد. علامتگی تبدیل محسوب می‌شود». به باور اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه: «از منظر اقتصادی نیز روسیه ظرفیت چندان‌ی برای حمایت ایران ندارد. فروش نفت و تأمین کالاهای کلان برای ایران تحت تحریم‌ها عملاً غیرممکن است و ازاین‌رو بازی مسکو بیشتر سیاسی و راهبردی است تا اقتصادی. چین نیز، هرچند همراه روسیه است، ظرفیت اقتصادی بزرگی برای حل مشکلات ایران ندارد و مطلقاً حاضر نیست منافع خود را فدای ایران کند».

دیپلمات باسابقه کشورمان در پایان این بخش تاکید دارد: «در دوران پساماشه، روابط ایران و روسیه به سطحی از اجتناب تبدیل شده است؛ ایران بایدد راهبردی تعریف کند که ضمن بهره‌گیری از همکاری‌های سیاسی و دیپلماتیک با روسیه، هم‌زمان استقلال و منافع ملی خود را در مواجهه با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی حفظ کند. روسیه تنها کشوری است که می‌تواند تنش‌های فرسایشی تهران را مدیریت کند، اما هرگونه انتظار بیش از ظرفیت‌های واقعی این کشور، می‌تواند موجب سوءتفاهم و ناکامی در سیاست خارجی شود».

علی اکبر فرازی: سیاست روسیه در برابر ایران در دوره پوتین، بازتابی از رازآلودگی و محاسبه‌گری است

در ادامه بحث نوبت به علی اکبر فرازی رسید. او تحلیل خود را با طرح چستی و چرایی روسیه شروع کرد و درباره روابط تاریخی و معاصر ایران با روسیه توضیح داد: «اگر بخوایم روسیه را درک کنیم، باید سه دوره اساسی تاریخ ادبیات این کشور را مرور کنیم؛ دوره تزار، دوره کمونیسم و دوره پوتین». سفیر اسبق ایران در رومانی خاطرنشان کرد: «در دوره تزاری، ادبیات و معماری روسیه منعکس‌کننده شخصیت‌های رازآلود و پیچیده‌ای بود که هر فرد در عین انزواى خود، با جامعه ارتباط داشت و مراقب تعاملاتش بود. این ویژگی، در روابط سیاسی و اجتماعی روس‌ها با ایران نیز دیده می‌شد. حتی در عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای، با وجود تسلط نظامی و گرفتن سرزمین، روس‌ها احترام سلسله حاکم و جایگاه دیپلماتیک ایران را حفظ کردند».

سفیر پیشین ایران در مجارستان توضیح داد: «در دوره کمونیسم و پس از انقلاب بلشویکی، ادبیات روسی از درون‌گرایی خارج شد و با جهان‌شمولی آیدئولوژیک خود، رسالت جهانی خود را در اتحاد کارگران جهان تعریف کرد. با این حال، این جهان‌شمولی محدود بود و فقط در چارچوب آیدئولوژیک امکان حیات داشت. در این دوران، روابط ایران و روسیه با وجود شعارهای جهانی، پیچیده و گاه متناقض بود و رازآلودگی سنتی روس‌ها همچنان بر



علی اکبر فرازی و عبدالرحمن فتح‌اللهی

تصمیم‌گیری‌های سیاسی آنها سایه می‌انداخت».

فرازی در ادامه تبیین تاریخی خود به دوره معاصر رسید و به تعبیرش: «در دوره پوتین، این رازآلودگی همچنان حفظ شده است، اما روسیه بر بازگشت به قدرت تاریخی و بازسازی عظمت خود تمرکز دارد. پوتینیسم تلفیقی از محاسبه‌گری دقیق، احترام قبال ایران، راهبرد روسیه همواره این بوده که تهران کشوری باشد که درگیری نظامی شدید ایجاد نکند، اما هم‌زمان نتواند به‌تثابلی تمامی مسیرهایی که مسکو در نظر دارد طی کند، بلکه نیازمند تعامل و در برخی موارد وابستگی به روسیه باشد؛ به بیان دیگر ابدال‌المسکو، همواره حفظ یک تنش فرسایشی مدیریت‌شده در ایران است تا همواره ناچار باشد به سمت روسیه گرایش داشته باشد». به تعبیر تحلیلگر ارشد مسائل سیاست خارجی: «این نگاه، نه صرفاً نتیجه محاسبات سیاسی کوتاه‌مدت، بلکه حاصل تجربه تاریخی است؛ از آغاز جمهوری اسلامی، ایران با واکنش منفی به غرب و آمریکا مواجه بود و شوروی و سپس روسیه این فرصت را هرگز از دست ندادند تا نقش خود را در مدیریت رفتارهای ایران در سیاست خارجی حفظ کنند». با چنین برداشتی، ایزدی تصریح کرد: «روسیه با ابزارهای ایران در دخالت‌های دیپلماتیک تا صحنه‌سازی‌های گاه و بی‌گاه، همواره تلاش کرده ایران را در مسیر مطلوب خود نگه دارد و این راهبرد در شرایط حساس اخیر، مانند جنگ اوکراین یا بازگشت احتمالی قطع‌نامه‌ها، همچنان پابرجاست».

سفیر پیشین کشورمان در قبرس یادآور شد: «در مقایسه سه دوره، در دوره تزار، روس‌ها از موضع قدرت بالا عمل می‌کردند، اما رعایت احترام در سطوح عالی را فراموش نمی‌کردند. در دوره کمونیسم، این احترام تا حدی کمرنگ شد، زیرا آیدئولوژی بر مناسبات حاکم بود و تعاملات با ایران تابع قواعد آیدئولوژیک شد. اگرچه تجربه تاریخی نشان داد که دیپلماسی ایرانی می‌تواند از طریق ظرافت و هوشمندی به موفقیت برسد».

با چنین تحلیلی، فرازی به «شرق» می‌گوید: «در دوره پوتین، سیاست روسیه نسبت به ایران بازتابی از همان رازآلودگی و محاسبه‌گری است. آنها با درک تاریخ و تجربه‌های گذشته، رفتار خود را متناسب با منافع ملی و حفظ قدرت داخلی و خارجی تنظیم می‌کنند. روسیه نمی‌خواهد یکباره همه کارت‌های خود را آشکار کند و در عین حال، انتظار دارد طرف مقابل احترام متقابل و همکاری راهبردی را رعایت کند». سفیر پیشین ایران در مجارستان بیان کرد: «اگرچه شرایط تاریخی و سیاسی تغییر کرده‌اند، اما ویژگی‌های بنیادین فرهنگ و سیاست روسیه همچنان بر تعاملات تهران و مسکو سایه انداخته است. شخصیت پیچیده، رازآلود و قدرت‌طلب روس‌ها در تصمیمات کلان داخلی و خارجی مشهود است و ایران باید با آگاهی کامل از این ویژگی‌ها، روابط خود را مدیریت کند». فرازی در پایان بخش نخست همایش تصریح کرد: «بررسی رفتار روسیه در سه دوره تاریخی نشان می‌دهد که شناخت دقیق فرهنگ، ادبیات و ساختار قدرت این کشور برای سیاست خارجی ایران حیاتی است. پوتین با ترکیبی از محاسبه‌گری و اقتدار تاریخی عمل می‌کند و تهران برای تعامل مؤثر با مسکو باید این نکات را در استراتژی کلان خود لحاظ کند تا هم منافع ملی حفظ شود و هم ثبات در روابط دو کشور برقرار بماند».

نعمت‌الله ایزدی: در تاریخ روابط ایران و روسیه، تا به این اندازه نگاه از بالا در مسکو وجود نداشته است

ادامه بحث با نعمت‌الله ایزدی بود و آخرین سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی، در ارزیابی روابط امروز تهران و مسکو نخست به نکته‌ای اشاره می‌کند که به تعبیر او «رازآلوده» است و ادعان دارد: «نگاه روسیه به ایران بیش از هر زمان دیگری از بالا به پایین شده است؛ نگاهی که به زعم این دیپلمات کهنه‌کار کشورمان، «حتی در دوران مأموریتش در مسکو که مصادف با دو دوره بوریس یلتسین بود که به‌گفته ایزدی بیش از ۸۰ مشاور آمریکایی در کرملین داشت و آشکارا به غرب نزدیک بود، چنین شدت و حدتی نداشت». تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی تصریح کرد: «از نگاه فعلی است که در طول تاریخ نه مستعمره شده، نه استقلالش را از دست داده و همواره نقطه‌ای بوده که قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌هایش تلاش کرده‌اند». لذا از نگاه اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه: «همین جایگاه تاریخی ایجاب می‌کند که امروز نیز ایران در روابط خارجی خود چنین وزنی را آشکارا و با اعتماد‌به‌نفس نمایش دهد». ایزدی تاکید می‌کند: «حتی در سخت‌ترین مقاطع، از جمله اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ساختار حاکمیت سیاسی ایران حفظ شده بود، اما اکنون وضعیتی شکل گرفته که رسانه‌های ایران، حتی در روزهای بی‌خبری، انباشته از تحلیل درباره روسیه‌اند، در حالی که در رسانه‌های روسیه، ایران تقریباً هیچ جایگاهی ندارد و این خود نشانه‌ای از عدم توازن در نگاه دو طرف است». به تعبیر مفسر حوزه بین‌الملل، «این رفتار روسیه تصادفی نیست، بلکه نتیجه این برداشت آنهاست که هر کاری انجام دهند، در ایران اتفاقی نمی‌افتد و همچنان سیاست نگاه به شرق ادامه می‌یابد». دیپلمات باسابقه کشورمان با اشاره به مواضع این سال‌های روسیه درباره مسائل مرتبط با ایران از جمله جزایر ایرانی به «شرق» می‌گوید: «این پرسش جدی مطرح است که چرا روسیه باید در چنین موضوعاتی موضع بگیرد؟ و پاسخ روشن است؛ درک مسکو از رفتار تهران آن است که حمایت ایران از رویکرد شرقی، بدون قید و شرط و فارغ از واکنش متقابل است». ایزدی با اشاره به منشور سیاست خارجی روسیه می‌افزاید: «اصلاً اسمی از ایران در سطح اولویت‌های روسیه دیده نمی‌شود و در دوره ایران در میان ۱۵ همسایه‌اش برای مسکو، حتی در یاده پنجم یا ششم نیز قرار ندارد و در بهترین حالت با افغانستان قابل مقایسه است، آن هم به دلیل معادلات ناشی از بازگشت طالبان».

ادامه از صفحه ۳

گزارش

ابطحی: انتظار داشتیم بعد از جنگ رفتارها اصلاح شود



محمدعلی ابطحی، سیاستمدار اصلاح‌طلب و عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز گفت: بعد از این جنگ، طبیعتاً انتظار می‌رفت همچنان که مردم به‌صورت جمعی پای ایران ایستادند، از سوی مدیران کشور نیز تمهیداتی به وجود بیاید که زندگی راحت‌تری فراهم شود و نظر اکثریت جامعه محور کار باشد. به گزارش ایلنا، محمدعلی ابطحی، سیاستمدار اصلاح‌طلب و عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز، در ارزیابی سخنان اخیر سیدمحمد خاتمی درباره ضرورت ارائه ندهای کارآمد و مؤثر نسبت به دولت گفت: باید تلاش شود که اصلاحات تبدیل به یک رفتار شود؛ رفتاری که ریشه‌ای تاریخی دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را رد کند. اصلاحات به معنای احزاب اصلاح‌طلب نیست. احزاب اصلاح‌طلب ممکن است یک چارچوب‌هایی که به جامعه اجازه متولد سال ۱۳۷۶ است را نمایندگی کنند اما همه اصلاحات و همه اندیشه اصلاحات این نیست. او افزود: آقای خاتمی بارها بر مبنای اندیشه اصلاحات خاتمی بارها بر مبنای اندیشه اصلاحات صحبت کرده و بحث می‌کند؛ یعنی آن چارچوب‌هایی که به جامعه اجازه می‌دهد همواره در حال تحول باشد، همواره در حال نوسدن باشد و همواره در حال اصلاح‌شدن باشد. به‌ویژه در شرایط فعلی که تغییرات بسیار عمیق و ریشه‌داری در جامعه شکل گرفته است، نسل گذشته با نسل فعلی اصلاً ادبیات یکدیگر را درک نمی‌کنند و نوع کاری که دنیای ارتباطات خلق کرده، باعث می‌شود که اصلاحات بیشتر از همیشه مورد نیاز باشد؛ زیرا به معنای نوکردن اندیشه و به معنای سالم‌کردن اندیشه‌هاست. اصلاحات به این معناست که تفکرها همواره در حال تحول باشند و به نیاز جدید جامعه پاسخ گفته شوند. این نکته‌ای است که آقای خاتمی به آن اشاره کرده است. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: فکر می‌کنم نیشاز جامعه امروز با دقتاً این است. اگر اصلاحات را به معنای یک مجموعه حزب تعریف کنیم، با اگر اصلاحات را فقط به آن خواسته‌های آقای خاتمی در سال ۷۶ که انصافاً خاص آن روز مردم بود محدود کنیم، من فکر می‌کنم از تفکر اصلاح‌طلبی عقب مانده‌ایم. به همین دلیل است که آقای خاتمی بحث نوکردن اصلاحات می‌کند و اساساً اصلاحات معنایش تحول و نوآوری است. ابطحی در پاسخ به این سؤال که چرا بعد از جنگ، گشایش‌های مورد انتظار رخ نداد، گفت: من فکر می‌کنم نگاه آقای خاتمی، نگاه به مجموعه حاکمیت است. تلفظ دولت به معنای بخش اجرایی کشور که آن همه البته در این ماجرا سهمیم است، آنچه اتفاق افتاد، از دل آن، یک اجماع ملی و همدلی عمومی ایجاد شد، ولی این اجماع ملی و همدلی عمومی مخالفانی داشت که از قبل با جریان همدلی عمومی مخالفت می‌کردند و جلوی آن ایستاده بودند. او ادامه داد: بعد از این جنگ، طبیعتاً انتظار می‌رفت همچنان که مردم به‌صورت جمعی پای ایران ایستادند، از سوی مدیران کشور نیز تمهیداتی به وجود بیاید که زندگی راحت‌تری فراهم شود، تهدیدها کمتر شود و نظر اکثریت جامعه محور کار باشد. مدتی شاید نشانه‌ای از این اقدامات دیده شد، اما متأسفانه همچنان که آقای خاتمی گفته‌اند، دوباره همان سازوکارهای گذشته، برخورد‌های سیاسی و برخورد‌های امنیتی فعال شده و آن امیدگی که ایجاد شده بود، از بین می‌رود. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب عنوان کرد: این امید بالاخره تاثیر خود را در موقع انتخابات نشان می‌دهد؛ عدد و رقم آن معلوم می‌شود و همبستگی ملی مشخص می‌شود که به کجا رسیده یا نرسیده است. همه باید تلاش کنند که این اتفاق بیفتد اما متأسفانه در حال حاضر این اتفاق در حال پیاده‌شدن نیست.